



صفحه ۷
۸ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۶

پامپ بنزین

سرویس - کا (با فعلا چهار کافالوئر)
صفحه اجتماعی سرویس کاری است که خراب کاری بقیه را روایت می کند:

امروز از یک پمپ بنزین تماس گرفتند و گفتند دستگاه های ما نیاز به تنظیم مجدد دارد. من هم با اینکه بی انرژی بودم، خودم را رساندم و شروع کردم به تنظیم دستگاه ها.

همان طور که من مشغول تنظیم بودم، خودروها به نوبت می آمدند و بنزین می زدند و می رفتند، ولی نکته جالب آن بود که رانندگان خودروها با یکدیگر حرف می زدند! کمی که دقت کردم، متوجه شدم پمپ بنزین مکان جلسه مخفیانه چند دستگاه و نهاد و اداره با یکدیگر است و دارند درباره تغییر نرخ بنزین گفت و گوی می کنند! مثلاً دوتا خودرو، یکی پیکان قدیمی و دیگری سمند تاکسی، وارد لاین پمپ بنزین شدند و کنار هم پارک کردند و از دوطرف شروع کردند به بنزین زدن.

راننده پیکان در حال بنزین زدن به آهستگی به راننده تاکسی گفت: «چرا با سمند تاکسی او مدتی جلسه؟! راننده سمند تاکسی گفت: «این جوری کمتر مشکوک می شن! تازه ما هم مثل مردمیم، یکی مثل میلیون هالیسانسه و فوق لیسانسه که دارن مسافرش می کنن! خودت چی؟! آخه با پیکان؟! راننده پیکان گفت: «ما خودمون اگه ساده زیستی رو فراموش کردیم، مردم قدر شناس ما که ساده زیستی ما رو فراموش نکردن! ضمن اینکه آقازاده بی ام و رو توی دور دور مالونده به جدول، تعمیرگاهه!» راننده سمند گفت: «حالا بگو بنزین رو چه قیمتی

بذاریم؟! راننده پیکان گفت: «۴۲۰۰ خوبه؟! راننده سمند گفت: «مگه ارزه؟! راننده پیکان گفت: «اگه برای واردات بنزین ارزمی دن، به ما هم بگو! آقازاده از وقتی قارقارک ما تعمیرگاهه، بیچاره شده! مدام توی ساعدی نیا و لمیز لم داده!» متصدی پمپ بنزین به آرامی گفت: «زودتر حرکت کنین تا مشکوک نشدن.» و بعد بلند داد زد: «آقا حرکت کنین، مردم معطل شمان!» سپس دو خودرو دیگر آمدند. هردو، شیشه دودی. نیم سانت پنجره را دادند پایین و سوئیچ را به زور رد کردند و تحویل متصدی دادند تا برایشان بنزین بزند. من فقط دو تا صدا می شنیدم. اولی گفت: «خب حالا مردم شوکه نشن!» دومی گفت: «نه خیر. مردم به شوکه شدن دیگه عادت کردن! شما فقط پلکانی ببرین بالا!» و بعد رفتند.

سپس یک خودرو شاسی بلند و یک پراید ۱۴۱ قدیمی وارد شدند. راننده شاسی بلند پیاده نشد و از همان بالا باراننده پراید صحبت کرد و گفت: «نظر شما مردم چیه؟! صدایی نیامد. بلند گفت: «شمارو نمی بینم! نمی تونستی یه ماشین شاسی بلند بگیر ی تا این قدر گردن من درد نگیره؟! باز هم صدایی نیامد.

راننده شاسی بلند خسته شد و گازش را گرفت و رفت. جلسه دستگاه ها و افراد باریط و بی ربط که تمام شد، به مسئول پامپ کردن بنزین... ببخشید پمپ بنزین گفتم: «منظورتون این دستگاه ها بود که نیاز به تنظیم دارن؟! گفت: «آره. دستگاه های ما نیاز به یه سرویس اساسی داره!»

ایجو، مگفتن مهدی محمدی

اردوغان:

«ما وارثان لقمان حکیم و ابن سینا، بنیان گذار طب نوین، هستیم.»

(فارس)

سازنده برج پیزا:

ما وارثان سازندگان گونیا و نقاله و شاقول هستیم.

چوپان دروغگو و پینوکیو:

ما وارثان صداقت و راستگویی و نداشتن خرده شیشه از نجم الدین شریعتی هستیم.

قلعه نویی:

ما و همه کادرفنی تیم ملی وارثان سرالکس فرگوسن و بنیان گذاران تیکی تاکا و این جور صحبت ها هستیم.

موساکوئقی:

ما وارثان تیزی و چالاکی و سرعت عمل پرندگان مثل شاهین و عقاب هستیم.

پزشک زیرمیزی بگیر بدون کارت خوان:

ما وارثان بقراط، نگارنده سوگندنامه پزشکی، با اون یارو چیه اسمش، آها، دکتر ارنست هستیم.